

Representation of the Culture of Poverty in IRIB Based on the Theory of Oscar Lewis and the Perspective of Mohammad Reza Hakimi; Review of the TV series "Ba Khaneman"

Javad Ghafari¹
Mohammadreza Borzooei²
Komeil Gheidarlo³

(Received on: 2022-10-06; Accepted on: 2023-8-14)

Abstract

Cultural aspects of poverty are much more fundamental than its economic ones. Visual media can also bring their audience to a proper level of awareness by properly portraying the culture of poverty. Therefore, the subject of this article is the culture of poverty in the media. Considering that the religion of Islam pays special attention to the cultural aspects of poverty and on the other hand, the "culture of poverty" has been proposed in the form of a theory in the Western world, how to show the culture of poverty in the TV series of the Islamic Republic of Iran based on the components of the culture of poverty in the theory Western Oscar Lewis and Mohammad Reza Hakimi's Islamic perspective was the researcher's problem. To answer this question, first, five components for the culture of poverty were extracted from Lewis's theory and six components for the culture of poverty from Hakimi's point of view. Then, the series "Bakhanman (2019)" was analyzed by thematic analysis method. Then the compatibility, similarity and opposition of the overarching themes were examined in comparison with the dual components of the culture of poverty. The most important results were as follows: in the "Bakhanman" series, the representation of life with the culture of poverty was more than the representation of life without it; There was an equal proportion between the percentage of representation of the culture of poverty according to Lewis's theory and the percentage of its representation according to Hakimi's point of view; Also, the series did not want to show the empty-handed completely immersed in the culture of poverty.

Keywords: Poverty, Culture of Poverty, Islam, West, Representation, Media, IRIB.

1 . Faculty of Islamic Studies and Culture and Communication, Imam Sadiq University. Tehran, Iran. j.ghafari@isu.ac.ir

2 . Associate Professor, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. borzooei@isu.ac.ir

3 . Assistant Professor, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. gheidarlo@isu.ac.ir

پژوهش‌های رسانه و ارتباطات

سال یازدهم، شماره بیست و یکم، بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص ۱۱۴ - ۱۴۷

بازنمایی فرهنگ فقر در سیمای جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظریه اسکار لویس و دیدگاه محمدرضا حکیمی؛ بررسی مجموعه تلویزیونی «باخانمان»^۱
جواد غفاری^۲، محمدرضا برزویی^۳، کمیل قیدرلو^۴

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳]

چکیده

جنبه‌های فرهنگی فقر بسیار زیربنایی‌تر از ابعاد اقتصادی آن است. رسانه‌های تصویری نیز می‌توانند با نمایش صحیح از فرهنگ فقر، مخاطبان نشان‌رابه سطح آگاهی مناسبی برسانند. از همین روموضوع این مقاله، فرهنگ فقر در رسانه است. با توجه به اینکه دین اسلام توجه خاصی به جنبه‌های فرهنگی فقر داشته و از طرف دیگر، «فرهنگ فقر» در قالب نظریه در جهان غرب مطرح شده است، چگونگی نمایش فرهنگ فقر در مجموعه‌های تلویزیونی سیمای جمهوری اسلامی ایران بر اساس مؤلفه‌های فرهنگ فقر در نظریه غربی اسکار لویس و دیدگاه اسلامی محمدرضا حکیمی، مسئله پژوهشگر بود. برای پاسخ به این پرسش، ابتدا پنج مؤلفه برای فرهنگ فقر از نظریه لویس و شش مؤلفه برای فرهنگ فقر از دیدگاه حکیمی استخراج شد. سپس، مجموعه «باخانمان (۱۳۹۹)» به روش تحلیل مضمون بررسی شد. آنگاه مطابقت، مشابهت و مخالفت مضامین فراگیر در مقایسه با مؤلفه‌های دوگانه فرهنگ فقر بررسی شد. مهم‌ترین نتایج چنین بود: در سریال «باخانمان»، بازنمایی زندگی با فرهنگ فقر بیشتر از بازنمایی زندگی بدون آن بود؛ تناسب یکسانی بین درصد بازنمایی فرهنگ فقر طبق نظریه لویس با درصد بازنمایی طبق دیدگاه حکیمی بود؛ همچنین، این سریال نخواستار است تهی‌دستان را کاملاً غرق در فرهنگ فقر نشان دهد.

کلیدواژه‌ها: فقر، فرهنگ فقر، اسلام، غرب، بازنمایی، رسانه، سیمای جمهوری اسلامی ایران.

۱. برگرفته از: جواد غفاری، بازنمایی فرهنگ فقر در مجموعه‌های تلویزیونی سیمای جمهوری اسلامی ایران بر اساس مؤلفه‌های فرهنگ فقر در اسلام و غرب؛ مورد مطالعه مجموعه باخانمان (۱۳۹۹)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمدرضا برزویی، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران، ۱۴۰۱.
۲. دانشجوی دکتری دانش اجتماعی مسلمین، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول). j.ghafari@isu.ac.ir
۳. دانشیار گروه ارتباطات و رسانه، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. borzooei@isu.ac.ir
۴. استادیار گروه فرهنگ و حکمرانی، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. gheidarlo@isu.ac.ir

۱. مقدمه و طرح مسئله

مسئله فقر به طور کلی از جمله مسائل مهم جامعه است که همواره نظر دانشمندان علوم اجتماعی را به خود جلب کرده و نوعی تهدید اقتصادی، امنیتی، اجتماعی و سیاسی به شمار می‌رود (یعقوبی دوست، ۱۳۹۷: ۳۸۱-۳۸۹). همچنین، عوامل مختلفی در بروز آسیب‌های اجتماعی نقش دارند که عامل اقتصادی یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار است؛ به طوری که بسیاری از اندیشمندان جامعه‌شناسی و اقتصاد، ریشه بسیاری از رفتارهای نابهنجار را در عوامل اقتصادی، از جمله فقر، می‌دانند (بیرانوند، ۱۳۹۴: ۲۵۴). در معارف اسلامی هم از فقر به مثابه عاملی برای صدمه دیدن ایمان انسان یاد شده است که حدیث پیامبر اکرم (ص) گویای این موضوع است که می‌فرمایند: «کاد الفقر أن یكون کفراً» (کلینی، ۱۳۷۵: ۶۴۰/۵).

در علوم انسانی، اینکه فقر صرفاً دارای ابعاد اقتصادی تصور شود، خالی از اعتبار علمی است. فقر دارای «ماهیت پیچیده و چندبُعدی» (جعفرزاده لاله‌دستی، ۱۳۹۱: ۳۵) است؛ چراکه خاصیت علوم انسانی این است که پدیده‌ها و مسائل مطرح در آن، از جنبه‌های مختلفی سزاوار بررسی و تحلیل است.

مسئله فقر نیز از این قاعده مستثنا نیست و طبعاً دارای ابعاد فرهنگی ارتباطی است که شامل شیوه زندگی، سطوح ارتباطات، طرز تفکر، ارزش‌ها، باورها و ... است. به نظر می‌رسد با توجه به حضور مسئله مذکور در میان افراد فقیر، می‌توان عناصر فرهنگی مشترکی را (علی‌رغم وجود تفاوت‌ها) در شیوه زندگی عده‌ای از آنها مشاهده کرد. چنان‌که، نظریه «فرهنگ فقر» (Culture of Poverty) از اسکار لوئیس (Oscar Lewis)، که در ادبیات علوم اجتماعی رواج یافته، به جنبه توصیفی وضعیت فرهنگ زندگی افراد فقیر می‌پردازد.

از سوی دیگر، می‌دانیم که اسلام به مثابه دینی کامل، علاوه بر ارائه الگوی هنجاری و راهکارهای در خور اعتماد برای مسائل زندگی انسان‌ها، این مسائل و پدیده‌های اجتماعی

را شناسایی و توصیف همه‌جانبه‌ای از آنها کرده است. در ادبیات اسلامی، تعبیر «فرهنگ فقر» سابقه‌ای ندارد؛ اما مطالب فراوانی درباره فقر، عوامل بروز آن، شیوه زندگی فقرا، آسیب‌های فقر و ... در منابع دست اول، اعم از قرآن و کتب حدیثی، مطرح شده است. از همین رو می‌توان مؤلفه‌های فرهنگ فقر را از دیدگاه اسلامی هم استخراج کرد. در پژوهش حاضر، کوشیده‌ایم نظر اسلام را در این باره با استفاده از آرای یکی از اسلام‌شناسان مجتهد به دست آوریم. به همین دلیل، آرای محمدرضا حکیمی که در بخشی از کتاب الحیة، درباره فقر و دیدگاه اسلام راجع به آن در قالب ده فصل پیاپی با عنوان مشترک «اسلام و فقر، مبارزه‌ای فراگستر» آمده است، ملاک تحلیل و استنباط نظر این اسلام‌شناس در شناخت مؤلفه‌های «فرهنگ فقر» قرار گرفته است.

فقر، پدیده‌ای پیچیده است و به همان اندازه که محصول روابط اجتماعی و ساختار قدرت سیاسی است، نتیجه خواست‌ها، تمایلات و انگیزه‌های تک‌تک افراد فقیر هم هست. علاوه بر این، تفکر ما درباره فقر و برداشت ما از آن نیز اهمیت دارد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین مرحله برای مبارزه با فقر، اصلاح نگرش راجع به مسئله فقر است (یعقوبی دوست، ۱۳۹۷: ۳۸۱-۳۸۲). این تغییر نگرش باید هم در نگاه خود تهی‌دستان به مسئله فقر و ابعاد آن ایجاد شود و هم در رویکرد سایر افراد جامعه به فقرا اتفاق بیفتد. یکی از راه‌های ایجاد تغییر فرهنگی در جامعه نیز استفاده از رسانه است و در ذیل آن، ارائه شناخت صحیح از جنبه‌های فرهنگی فقر به مخاطبان رسانه‌ها می‌تواند در پیشبرد این تغییر نگرش در جامعه مؤثر واقع شود.

با توجه به فراگیری تلویزیون به عنوان رسانه در بین مردم، یکی از موضوعاتی که می‌تواند برای فرهنگ‌سازی آن ایفای نقش کند، شیوه خاص زندگی فقرا است. اگر تلویزیون بتواند بازنمایی درستی از آثار نامطلوب این شیوه زندگی، که در نظریه مذکور با عنوان «فرهنگ فقر» یاد شده است، داشته باشد و آن را به مردم جامعه معرفی کند، گام مهمی برای تغییر

نگرش و آگاهی بخشی به مخاطبان خود برداشته است که خود این، زمینه ساز حرکت جامعه در مسیر کاهش مسائل اجتماعی ناشی از فقر خواهد شد.

ضرورت تحقیق نیز از همین جا مشخص می شود؛ چراکه برنامه سازان مذکور در سیمای جمهوری اسلامی ایران، با شناخت مؤلفه های فرهنگ فقر و با در اختیار داشتن نمونه ای از تحلیل تطبیقی آن بر یکی از مجموعه های تلویزیونی مرتبط، می توانند یافته ها و نتایج تحقیق حاضر را، هم در ارزیابی مجموعه های پیشین و هم در تولید محتواهای رسانه ای بعدی مد نظر قرار دهند.

بدین ترتیب، پرسش های اصلی و فرعی این پژوهش عبارت اند از:

✓ پرسش اصلی: «فرهنگ فقر» در مجموعه تلویزیونی «باخانمان» (۱۳۹۹) سیمای جمهوری اسلامی ایران، بر اساس نظریه غربی اسکار لوئیس و دیدگاه اسلامی محمدرضا حکیمی، چگونه به نمایش درآمده است؟

۱. پرسش فرعی: با توجه به نظریه رایج اسکار لوئیس در غرب، «فرهنگ فقر» چه مؤلفه هایی دارد؟

۲. پرسش فرعی: با توجه به خوانش محمدرضا حکیمی از اسلام، چه مؤلفه هایی از «فرهنگ فقر» استنباط می شود؟

۳. پرسش فرعی: چه مضامینی مرتبط با فرهنگ زندگی افراد فقیر در مجموعه تلویزیونی «باخانمان» وجود دارد؟

۴. پرسش فرعی: مضامین مستخرج از مجموعه مذکور، چه ربط و نسبتی (اعم از مطابقت، مشابهت یا مخالفت) با مؤلفه های نظریه اسکار لوئیس درباره «فرهنگ فقر» دارد؟

۵. پرسش فرعی: مضامین مستخرج از مجموعه مذکور، چه ربط و نسبتی (اعم از مطابقت، مشابهت یا مخالفت) با مؤلفه های استنباطی از دیدگاه اسلامی محمدرضا حکیمی درباره «فرهنگ فقر» دارد؟

۲. مرور پیشینه

لوئیس (Lewis, ۱۹۵۹) در کتاب خود با عنوان پنج خانواده: مطالعات موردی مکزیک در فرهنگ فقر برای اولین بار، نظریه فرهنگ فقر را مطرح می‌کند (Dietrich, 2018). او بعدها در مقاله‌ای (Lewis, 1966 b)، به تفصیل مؤلفه‌های نظریه فرهنگ فقر را تشریح می‌کند. لوئیس (Lewis, 1966 a) در کتاب دیگری با عنوان لاویدا: خانواده‌ای اهل پورتوریکو در فرهنگ فقر - سان خوان و نیویورک، سبک زندگی یک خانواده بزرگ پورتوریکویی را که در سان خوان و شهر نیویورک زندگی می‌کردند، با تکیه بر نظریه فرهنگ فقر بررسی کرده است. (Dike, 2011) در منابع عربی زبان هم پیشینه مرتبط با موضوع نظریه فرهنگ فقر وجود دارد. دو نمونه از جدیدترین آنها عبارت است از: «آثار اجتماعی فرهنگ فقر در جامعه عراق» (عبدالهادی مسیر، ۲۰۲۰)؛ «فرهنگ فقر از دیدگاه انسان‌شناسی توسعه» (الهادی مفتاح بن محمد، ۲۰۲۱). تعدادی از پژوهش‌های متأخر در ایران که مشخصاً درباره فرهنگ فقر تحقیق کرده‌اند، عبارت‌اند از: «رابطه بین فرهنگ فقر و جرم در مناطق حاشیه‌نشین» (عباسی و کاروانی، ۱۳۹۹)، «بررسی فرهنگ فقر در میان زنان محله شیرآباد زاهدان» (عیسای، ۱۴۰۰).

پارکین (Parkyn, 2018) نیز در پژوهشی به دنبال کشف ظرفیت رویکردهای رسانه‌ای و ارتباطی برای کمک به کاهش فقر در انگلیس از طریق پوشش رسانه‌ای فقر بوده است. درویش‌پناه (۱۳۹۸) در پایان‌نامه‌اش سعی در نشان دادن مناسبات میان فقرا و ثروتمندان در ایران از طریق بازنمایی دوگانه فقیر و غنی در سینمای دوره تاریخی خاصی داشته است. امیری و مریدی (۱۳۹۸) نیز در مقاله‌ای با عنوان «اسطوره فقر در سینمای ایران: تحلیل نشانه‌شناختی فیلم ابد و یک روز»، کوشیده‌اند از خلال شناسایی دلالت‌های ضمنی برساخته شده از فقر، اسطوره‌پردازی جامعه مصرفی از فقر را تحلیل، و این روایت را در سینمای دو دهه اخیر ایران نقد کنند.

«رفع فقر با الگوی تعاونی ارزشی اسلامی» (Selim & Farooq, 2020) و «نحوه مواجهه اسلام با فقر و نابرابری درآمد» (Astuti, 2022) نیز به نوعی فقر را از دیدگاه اسلامی بررسی کرده‌اند. «فقر؛ علت‌ها و پیامدها از نگاه آیات و روایات» (بال افکن و پوربابادی، ۱۳۹۹)، «شبکه مضامین عوامل مؤثر بر فقر در جامعه اسلامی از منظر قرآن و احادیث اهل بیت (ع): تحلیل اهمیت- عملکرد (IPA) جمهوری اسلامی» (نصیری، ۱۳۹۹)، «اسلام و پدیده فقر» (پاشایی، ۱۴۰۰) و «شناسایی ریشه‌های فقر اقتصادی و روش مبارزه با آن در اسلام» (قلوزی، ۱۴۰۰) نیز در همین زمینه است. همچنین، در مقاله «جستاری در نظریه فقرزدایی قرآن و روایات بر مبنای پژوهش زمینه‌ای» (یاقوتی، ۱۳۹۹) ضمن تأکید بر برتری‌های نظریه فقرزدایی اسلام در مقایسه با چند نظریه اصلی فقر (از جمله نظریه «فرهنگ فقر»)، عوامل فردی فقر از دیدگاه اسلام نیز در کنار عوامل اجتماعی‌اش بیان شده است.

با توجه به انتخاب رویکردهای اسلام‌شناسانه محمدرضا حکیمی در پژوهش حاضر به دلیل استنباط ابعاد «فرهنگ فقر» از این دیدگاه اسلامی، باید به بارزترین نمونه از آثار ایشان، یعنی الحیة اشاره کنیم که با همکاری دو برادرش، محمد حکیمی و علی حکیمی، نگاشته شده و احمد آرام به فارسی ترجمه کرده است.

با وجود اینکه پژوهش‌های مختلف و جداگانه‌ای درباره «فرهنگ فقر»، «بازنمایی رسانه‌ای فقر» و «دیدگاه اسلامی راجع به فقر» در ایران و جهان انجام شده، اما تحقیقی نیافتیم که این سه موضوع را با هم پیوند زده و بازنمایی مؤلفه‌های فرهنگ فقر، بر اساس دیدگاه غربی و اسلامی، را در رسانه‌های تصویری، خصوصاً تلویزیون، بررسی کرده باشد.

۳. تعریف مفاهیم

قبل از ورود به بحث، مفاهیم کلیدی تحقیق را در قالب یک سری تعاریف نظری مختصر مطرح می‌کنیم.

۱.۳. فرهنگ

طبق یکی از مختصرترین تعاریف واژه «فرهنگ»، «فرهنگ یک شخص، بافتی است که در آن، فرد مورد نظر هنجارهای اجتماعی یک رفتار مناسب یا نامناسب را می‌آموزد» (بشیر، ۱۳۹۳: ۲۱۱). کتاب فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی در تعریف این اصطلاح می‌گوید: «به دانش، اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم، هنر، زبان، کاربرد فناوری، قواعد مشترک اعضای جامعه یا اجتماع دلالت دارد. فرهنگ از طریق فرآیند اجتماعی شدن و سایر مصنوعات، به‌ویژه تماس بین فرهنگی و صنعت فرهنگی (رسانه‌ها) از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. به طور کلی، می‌توان گفت فرهنگ نحوه و روش زندگی است ... فرهنگ و ساختار اجتماعی به عنوان دو مؤلفه پایه جامعه‌شناسی هستند» (میرزایی، ۱۳۹۳: ۷۹۹).

۲.۳. فقر

در زمینه علوم انسانی، به طور کلی و خلاصه، می‌توان فقر را از دیدگاه تأمین اجتماعی چنین تعریف کرد: «فقر شرایطی است که در آن درآمد برای تأمین نیازهای معاش کافی نباشد. فقر را می‌توان عدم تأمین حداقل نیازهای هر فرد دانست و مفهوم حداقل نیازهای انسانی شامل نیازهای بدنی است؛ یعنی آنچه برای زنده ماندن و نگاه‌داری ظرفیت کاری لازم است ... [اما] حتی اگر مسئله حداقل نیازهای بدنی انسان به طور مطلق حل شود، باز مسئله حداقل احتیاجات اجتماعی انسان باقی می‌ماند که [بدین ترتیب] ... فقر حالتی است که در آن حداقل نیازهای جسمی و اجتماعی یک فرد با توجه به تفاوت‌هایی که از لحاظ سطح زندگی در میان کشورهای مختلف وجود دارد و با توجه به مرحله‌ای از زمان که موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد، تأمین نشده باشد» (مجتبوی نائینی، ۱۳۷۲: ۲۶۰-۲۶۱). فرهنگ قرآن، معنای لغوی و اصطلاحی «فقر» را این‌گونه بیان کرده است: «فقر، ضد غنا و

به معنای نیاز است و در اصطلاح به کسانی فقیر گفته می‌شود که هزینه یک سال را بالفعل و بالقوه نداشته باشند» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۲۲/۲۷۷).

۳.۳. فرهنگ فقر

دائرة المعارف بین المللی علوم اجتماعی در تعریف این اصطلاح می‌نویسد: «نظریه فرهنگ فقر» را اسکار لوئیس انسان‌شناس در کتابش با عنوان پنج خانواده: جزء پژوهی مکزیکی در فرهنگ فقر، در سال ۱۹۵۹ مطرح کرد. نظریه فرهنگ فقر می‌گوید زندگی در اوضاع و احوال فقر فراگیر منجر به توسعه فرهنگ یا خرده فرهنگ سازگار با آن اوضاع و احوال می‌شود. این فرهنگ با احساسات فراگیر درماندگی، وابستگی، حاشیه نشینی و ناتوانی مشخص می‌شود. به علاوه، لوئیس افرادی را که در فرهنگ فقر زندگی می‌کنند این‌گونه توصیف می‌کند که درک کمی از تاریخ دارند یا اصلاً درکی از آن ندارند و در نتیجه فاقد دانش لازم برای تسکین وضعیت خود از طریق اقدام جمعی هستند؛ در عوض، فقط بر مشکلاتشان تمرکز می‌کنند. بنابراین، برای لوئیس، تحمیل فقر بر جمعیت، علت ساختاری توسعه فرهنگ فقر بود که پس از آن به صورت مستقل و خودگردان درمی‌آید؛ چراکه رفتارها و نگرش‌هایی که در فرهنگ فقر ایجاد می‌شود، از طریق فرآیندهای اجتماعی شدن به نسل‌های بعدی منتقل می‌گردد» (Darity, 2008, vol. 2: 206).

فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی درباره «فرهنگ برنهاد فقر (فرهنگ مربوط به تن فقر)» (culture of poverty thesis) می‌گوید: «این اصطلاح بر این نظریه دلالت دارد که گروه‌ها و افراد معینی ممکن است بر ماندن در حالت فقر مَصّر باشند، چون اعتقادات و ارزش‌ها و روش رفتاری متمایزی دارند که با موفقیت اقتصادی همساز نیستند. این برنهاد بحث‌انگیز و متضاد نظریه موقعیتی است که پیدایش فقر را به ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه ربط می‌دهد و نه به سوگیرهای ارزشی افراد یا گروه‌ها» (میرزایی، ۱۳۹۳: ۸۰۰).

۴.۳. بازنمایی

«یکی از اصطلاحات کلیدی در مطالعات رسانه‌ای «بازنمایی» است که مفهومی غنی با چندین معنای مرتبط است. این مفهوم تأکید می‌کند که اگرچه تصاویر رسانه واقعی به نظر می‌رسند، اما هرگز مستقیماً جهان بیرون را نشان نمی‌دهند. آنها همواره از یک ساخت یا بازنمایی تشکیل می‌شوند که پنجره‌ای باز به روی دنیای واقعی نیست» (برانستون و استافورد، ۱۳۹۲: ۲۰۳). کتاب دانش‌نامه علوم ارتباطات در تعریف این اصطلاح می‌گوید: «بازنمایی یک چیز یعنی توصیف و شناساندن آن و به ذهن متبادرکردنش به وسیله توصیف و تخیل و نشان دادن؛ برقراری شباهت‌هایی با آن، که پیش‌تر در حس و ذهنمان انگاشته شده [است]» (بشیر، ۱۳۹۳: ۹۴). «بازنمایی» را می‌توان یکی از اساسی‌ترین مفاهیم در حیطه مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای دانست که بر عملکرد رسانه‌ها و فرستندگان در نحوه ارائه پیام دلالت دارد و بر این مسئله تأکید می‌کند که چون رسانه‌ها در معرض اعمال نفوذ منابع قدرتمند هستند می‌توان انواع بازنمایی‌های رسانه‌ای را از لحاظ انتقادی تحلیل کرد (نادری و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۰۰).

۴. ادبیات نظری

۱.۴. نظریه بازنمایی

بر اساس دیدگاه استوارت هال، بازنمایی این‌گونه معرفی شده است: «بازنمایی، تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است. به این معنا که «معنا» از طریق نشانه‌ها، به ویژه زبان، تولید می‌شود. زبان سازنده معنا برای اشیای مادی و رویه‌های اجتماعی است و صرفاً واسطه‌ای خنثا و بی‌طرف برای صورت‌بندی معانی و معرفت درباره جهان نیست ... [استوارت] هال، بازنمایی را به معنای استفاده از زبان برای بیان نکته معناداری درباره جهان می‌داند» (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۵). مفهوم «بازنمایی» «شدیداً به بحث‌های مربوط به

نمایش واقعیت ارتباط پیدا می‌کند، زیرا سعی بسیاری از متون [به معنای عام] برای این است که واقعی به نظر برسند. اما آنچه که ما در نزد خود واقعی می‌پنداریم خارج از بازنمایی وجود ندارد» (محمدپور، ۱۳۹۷: ۴۴۰).

بنابراین، یکی از مهم‌ترین نکات در این زمینه، شکاف موجود بین واقعیت و بازنمایی است. به عبارت بهتر، باید درباره تعریف ویژگی‌های بازنمایی رسانه‌ای چنین گفت که «رسانه‌ها بر شناخت و درک عموم از جهان تأثیر می‌گذارند، به این معنا که آگاهی و ذهنیت مردم نسبت به جهان بستگی به محتوایی دارد که از رسانه‌ها دریافت می‌کنند؛ زیرا رسانه‌ها واسطه و میانجی بین آگاهی‌های فردی و ساختارهای گسترده‌تر اجتماعی و سازنده معنا هستند. بازنمایی، ساخت رسانه‌ای واقعیت است. بازنمایی، نه انعکاس و بازتاب معنای پدیده‌ها در جهان خارج، که تولید و ساخت معنا بر اساس چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است» (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۹).

۲.۴. نظریات جامعه‌شناسی فقر

درباره دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه راجع به فقر و فرهنگ مخصوص به آن «دو تئوری اصلی وجود دارد: ۱. نظریه انطباق: که معتقد است محیط، جامعه و شرایط اجتماعی است که در ایجاد فقر و فرهنگ آن مؤثر است؛ ۲. نظریه فرهنگ فقر: این نظریه معتقد است حتی اگر فقرا از لحاظ مالی تأمین شوند به دلیل علائق و ریشه داشتن فرهنگ فقر، پیوند خود را با آن از دست نمی‌دهند» (عنبری و بقایی، ۱۳۹۳: ۲۱۲). در نظریات جامعه‌شناسی، دوگانه ساختار-عاملیت را می‌توان یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل در بررسی پدیده‌های مختلف دانست. در میان دیدگاه‌های جامعه‌شناسی فقر، دیدگاه اول بیشتر ناظر به جنبه‌های اجتماعی (نقش ساختار) و دیدگاه دوم بیشتر ناظر به جنبه‌های فردی (نقش عاملیت)، فقر را بررسی می‌کنند. در نظریه فرهنگ فقر اسکار لوئیس، به نظر می‌رسد دیدگاه

دوم (فردگرایی) غلبه داشته و این نظریه کمتر به نقش ساختارها و عوامل خارج از فقرا در شکل‌گیری و تداوم فرهنگ فقر پرداخته است.

۳.۴. فرهنگ فقر در نظریه اسکار لوئیس

اسکار لوئیس، انسان‌شناسی آمریکایی بود که در پژوهش‌هایی مردم‌شناسانه درباره خانواده‌های فقیر آمریکای لاتین، خصوصاً مکزیکی و پورتوریکو، «فرهنگ فقر» را در قالب نظریه درآورد. این نظریه به شیوه خاص زندگی برخی افراد فقیر اشاره دارد که نسل به نسل در میان فرزندان‌شان منتقل می‌شود. البته وی می‌گوید لزوماً چنین نیست که هر شخص، خانواده یا جامعه فقیری را دارای فرهنگ فقر تلقی کنیم؛ زیرا ممکن است برخورداری از ویژگی‌هایی مانند «ناچیزبودن اختلاف طبقاتی»، «احساس مشارکت اجتماعی»، «روابط خویشاوندی قوی»، «احساس منزلت و پایگاه اجتماعی» و «احساس قدرت و تأثیرگذاری»، آنها را از گرفتار شدن به خرده‌فرهنگی که ناشی از فقر است، حفظ کند (لابن، ۱۳۵۹: ۹۵-۹۶).

لوئیس معتقد است فرهنگ فقر، فراتر از تفاوت‌های منطقه‌ای، روستایی شهری و ملی است و این روش زندگی، شباهت‌های چشمگیری در ساختار خانواده، روابط بین‌فردی، طرز نگرش به زمان، نظام‌های ارزشی و الگوهای هزینه در جاهای مختلف نشان می‌دهد (Lewis, ۱۹۶۶: b ۴۳). به همین دلیل می‌توان فرهنگ فقر را در تقسیم‌بندی‌های سیاسی گوناگون، تنوع‌های ملیتی و موقعیت‌های تاریخی مختلف نیز یافت (لوئیس، ۱۳۵۳: ۱۲۵). فرهنگ فقر دارای ویژگی‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، خانوادگی و روان‌شناختی است. با توجه به توضیحی که در قسمت تعریف مفاهیم از «فرهنگ» ارائه شد، تمامی ویژگی‌های مذکور ذیل فرهنگ قرار می‌گیرد. لوئیس می‌گوید مبارزه با فرهنگ فقر و تلاش برای از بین بردن آن، به مراتب از مبارزه با خود فقر مشکل‌تر است؛ به عبارت

بهبتر، فقرزدایی (از میان بردن فقر مادی و اقتصادی) به خودی خود ممکن است در زدودن فرهنگ فقر که نوعی روش کامل زندگی است، اثری نداشته باشد (همان: ۱۳۵-۱۳۶).
حال بعد از بیان نظریه اسکار لوئیس درباره «فرهنگ فقر»، برای پاسخ‌گویی به پرسش اول تحقیق باید شاخص‌هایی را از این مفهوم نظری استخراج کنیم. در این پژوهش، عمدتاً مقاله «فرهنگ فقر» (لوئیس، ۱۳۵۳) استفاده شده است. مؤلفه‌های عملیاتی «فرهنگ فقر» بر اساس نظریه اسکار لوئیس عبارت‌اند از:

۱. مسائل اقتصادی؛ مانند کمبود درآمد، نداشتن کار دائمی، پذیرفتن کارهایی با مزد کم، نداشتن پس‌انداز، نداشتن ذخیره غذایی در خانه، کمبود دائمی و مزمّن پول نقد، گروگذاشتن اشیای شخصی، وام‌گرفتن از رباخواران محلی با بهره سنگین، روش‌های تأمین اعتبار محلی و بدون برنامه‌ریزی، خریدن اثاث و لباس کهنه، عادت به خرید اندک مواد غذایی و چندین بار در روز (بر حسب نیازهای آنی)، تولید اندک و فقدان امکان شرکت مؤثر در نظام اقتصادی.

۲. مسائل اجتماعی؛ نظیر تطابق نیافتن با تغییرات سریع اجتماعی، فقدان مشارکت مؤثر در مؤسسات عمومی (مانند مراکز آموزشی و تحصیلی، اتحادیه‌های کارگری، مؤسسات رفاهی، بانک‌ها، بیمارستان‌ها و فروشگاه‌های بزرگ)، وجود خانه‌های خراب و ازدحام جمعیت در اجتماعات محلی و کوچک، نبود تشکیلات و سازمان‌هایی با دامنه فراگیری بیشتر از خانواده، بی‌سوادی، استفاده نکردن از مراکز فرهنگی هنری (مانند موزه‌ها و تالارهای هنری)، نابرخورداری از فرهنگ سنتی یا حفظ نکردن آن در میان مهاجران روستایی به شهرها، فقر فرهنگی، خرده‌گیری به نهادهای دینی و آگاهی از ارزش‌های طبقه متوسط در عین پای بند نبودن به رعایت آنها در زندگی.

۳. مسائل سیاسی؛ مانند داشتن نظری انتقادآمیز یا منفی درباره بعضی از نهادهای طبقه حاکم، بی‌زاری از پلیس، اعتماد نداشتن به دولت و صاحب‌منصبان، مشارکت نکردن

در احزاب سیاسی و آمادگی برای سوءاستفاده جنش‌های سیاسی (مخالف نظام اجتماعی موجود).

۴. مسائل خانوادگی؛ مانند کوتاهی دوران کودکی، محرومیت کودکان از حمایت‌های لازم، شروع روابط جنسی در سنین کم، زندگی مشترک دو جنس مخالف (خارج از چارچوب‌های قانونی و دینی ازدواج)، کثرت رخداد ترک زن و فرزند، گرایش به مرکزیت مادر در خانواده، آشنایی بیشتر با خویشاوندان مادری، آمادگی بسیار برای ظلم پذیرش‌شدن شخصیت کودکان، نبودن خلوت در زندگی افراد، رعایت نشدن حریم خصوصی، فقدان همبستگی میان اعضای خانواده در عین تأکید لفظی افراد بر آن، رقابت افراد خانواده برای به دست آوردن وسایل زندگی، محرومیت اکثر افراد از مهر مادری و رقابت کودکان برای جلب محبت او.

۵. مسائل روان‌شناختی؛ مانند احساس شدید تقدیرگرایی، احساس تنهایی، احساس جدافتادن از دیگران، احساس درماندگی، احساس وابستگی به دیگران، خودکم‌بینی، پایین بودن سطح خواسته‌های برانگیزاننده تلاش و کوشش، ناامیدی به آینده، بی‌اعتمادی میان افراد، کم‌ارزش بودن دانش‌اندوزی، داشتن خصوصیت «دهانی» از نظر رشد شخصیتی (یعنی اختلال در فرآیند رشد دوران کودکی)، ضعیف بودن «من» (به معنای مهارنکردن نیازهای غریزی و ارضای آنی آنها)، سرگردانی فرد در شناخت جنسیت خود (به دلیل نزدیک بودن و درهم‌آمیختگی نقش و ظاهر زن و مرد در جامعه)، ناتوانی از فروخوردن خشم و سایر احساسات آنی و شدید، توجه وافر و شدید به زمان حال و اکنون، ناتوانی در چشم‌پوشیدن موقت از بعضی چیزهای خوشایند برای رسیدن به چیزهای خوشایند بزرگ‌تر در آینده، میل به گوشه‌گیری، اعتقاد گسترده اکثر مردان به برتری جنس مرد بر زن، قدرت تحمل بسیار در برابر انواع ناراحتی‌های روانی، فاقد جهان‌بینی فراتر از محل زندگی خویش (شهر یا روستا)، درک نکردن

همانندی مشکلات خود با مشکلات افراد فقیر در سایر نقاط جهان، غفلت از تعلق خود به یک طبقه اجتماعی خاص، حساسیت بسیار دربارهٔ اختلافات طبقاتی ناشی از مقام، اعتقاد ضعیف به توانایی افراد در بالارفتن از نردبان طبقاتی جامعه، احساس تعلق به محله، داشتن زمینهٔ پرخاشگری، ترس، بدگمانی و بی‌علاقگی.

۴.۴. فرهنگ فقر در خوانش اسلامی محمدرضا حکیمی



شکل ۱. مؤلفه‌های فرهنگ فقر بر اساس نظریه اسکار لوئیس

محمدرضا حکیمی به همراه دو برادرش، دیدگاه‌های اجتهادی‌شان را درباره موضوعات مختلف از نظر اسلام (مانند موضوعات اقتصادی و اجتماعی) در کتاب الحیة‌گرد آورده‌اند. این کتاب «مجموعه‌ای است علمی، پژوهشی و تخصصی که در آن، تعالیم

اسلام، بر پایه «قرآن کریم» و «حدیث شریف» گردآوری و تدوین گشته است. این گردآوری و تدوین به گونه‌ای انجام پذیرفته و شکل یافته و عنوان‌گذاری و فصل‌بندی شده است، که راه یک زندگی آزاد و پیشرو را، هم برای فرد و هم برای جامعه، نشان دهد. [همچنین] الحیاة، مجموعه‌ای است دائرةالمعارف‌گونه، منعکس‌کننده یک نظام فکری عملی به دست آمده از متن اسلام، شامل پاسخ به بسیاری از مسائل زندگی متحوّل انسانی، بر پایه پی‌ریزی حاکمیتی درست» (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۵/۱-۱۷).

در این پژوهش، عمدتاً فصل‌های سی‌ام تا سی‌ونهم از مجلد چهارم این کتاب با عنوان «اسلام و فقر، مبارزه‌ای فراگستر (۱ تا ۱۰)» (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰) استفاده شده است. ابتدا لازم است نگاهی به تعریف «فقر» از دیدگاه محمدرضا حکیمی داشته باشیم. به نظری: «فقر عبارت است از نیازمندی انسان، یا بی‌نصیب ماندن از چیزهایی که برای تأمین زندگی او و کسانی که در تحت تکفل او هستند، کفایت کند. به عبارتی دقیق‌تر: فقر عبارت است از نداشتن چیزهایی که آدمی در زندگی به آنها نیازمند است و ناقص یا اندک بودن امکاناتی که شکوفایی قابلیت آدمی و ظهور استعدادهای او به آنها بستگی دارد» (همان: ۴/۴۰۰). وی با خوانش اجتهادی خود از اسلام، فقر را مانع حرکت تکاملی انسان می‌داند و آن را عامل نابودی زندگی، باطل شدن نیروهای جسمی و مدفون شدن استعدادهای خدادادی لحاظ می‌کند (همان). محمدرضا حکیمی برای تشریح بحث «ابطال شخصیت انسانی» در افراد فقیر، ابتدا مقدمه‌ای درباره تأثیر پذیری ابعاد شخصیتی انسان بر یکدیگر ذکر می‌کند و می‌نویسد:

شخصیت آدمی بُعدها و جوانبی دارد که همچون سازگاری جزء و کل، با هم سازگاری دارند. بر این پایه، چون یکی از بُعدهای شخصیت انسانی سست و ضعیف شود، این سستی به بُعدهای دیگر سرایت می‌کند و آنها را از میان می‌برد. از اینجا است که استضعاف اقتصادی به استضعاف فکری، فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و دینی

می انجامد؛ و از اینجا است که استضعاف به استکبار شبیه است؛ یعنی به همان گونه که استکبار، ابعاد فکری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارد، هر یک از آنها در دیگری تأثیر می کند و از آن متأثر می شود، استضعاف نیز چنین است. نیز به همان گونه که برخی از اشکال استکبار راه را برای برخی دیگر هموار می سازد، استضعاف نیز چنین است، یعنی استضعاف فکری و فرهنگی به سایر اشکال استضعاف منجر می شود و «استضعاف فکری و فرهنگی»، در مواردی مقدمه و زمینه پدید آمدن «استضعاف اقتصادی» بوده و در مواردی نتیجه آن است (همان: ۴/۱۹۴).

وی سپس با تکیه بر این مقدمه می گوید:

پس از ملاحظه حالات قشرهای فقیر و بدبخت اجتماع، آشکار می شود که فقر (یعنی استضعاف اقتصادی) زمینه را برای عقب ماندگی های دیگر فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مهیا می کند؛ و خود سبب اصلی احساس حقارت و فروریختن شخصیت انسانی است که سرانجام به استضعاف اخلاقی می انجامد؛ فضایل شخصیت فقیر را وارونه می نمایند؛ او را در نظر دیگران خوار می سازد و به همانند خود نیازمند می کند (همان).

نکته مهمی که از این جمع بندی محمدرضا حکیمی درباره تأثیر پذیری استضعاف اقتصادی (فقر مالی) و استضعاف فرهنگی (فقر فرهنگی) از یکدیگر معلوم می شود، آن است که در خوانش اسلامی وی، ابعاد و جنبه های فرهنگی در زندگی افراد تهی دست به همان اندازه مهم است که ابعاد و جنبه های اقتصادی اهمیت دارد. این مطلب، بسیار شبیه به همان نکته ای است که اسکار لوئیس درباره «فرهنگ فقر» ذکر می کند. همچنین، اسکار لوئیس در تعریف فرهنگ فقر به این نکته اشاره داشت که این روش زندگی، از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. محمدرضا حکیمی نیز، همان طور که ذکر شد، در خلال نوشته هایش، مطالبی درباره نقص تعلیم و تربیت در زندگی افراد فقیر و انزوای آنها از امکانات جامعه ذکر می کند. از این رو می توان برداشت کرد که اگر تربیت صحیح درباره

کودکان قشر فقیر جامعه به وقوع نپیوندد، آنها از «فرهنگ زندگی اسلامی»، که فرهنگی ضد فقر است» (همان: ۶۲۰/۴) محروم می‌مانند؛ زمینه‌آبتلا به «فرهنگ فقر» در این قشر مستضعف به وجود می‌آید و این شیوه زندگی به نسل‌های بعد نیز منتقل خواهد شد. البته از همین جمله محمد رضا حکیمی که «فرهنگ زندگی اسلامی»، فرهنگی ضد فقر است» (همان)، شاید بتوان این‌گونه برداشت کرد که تعریف وی از فرهنگ در این عبارت، تعریفی جامع است که تمام ابعاد زندگی انسان، اعم از حقوقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... را در بر می‌گیرد. همان‌گونه که شاید بتوان چنین ادعا کرد که اسکار لوئیس نیز در ارائه نظریه «فرهنگ فقر»، به همین تعریف کلی از فرهنگ توجه داشته است.

حکیمی فقط به آثار و نتایج فقر بر زندگی تهی‌دستان نپرداخته، بلکه علت‌های مختلف ایجاد این ضایعه را نیز با توجه به دیدگاه اسلام‌شناسانه‌اش توضیح داده است. در این پژوهش، سایر علت‌های ایجاد فقر (از جمله علل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و... که خود شخص فقیر دخالت چندانی در آنها ندارد) در خوانش اسلامی محمد رضا حکیمی را بیان نمی‌کنم؛ زیرا به نظر می‌رسد نظریه «فرهنگ فقر» اسکار لوئیس، بیشتر نظریه‌ای فردگرایانه است و کمتر به نقش ساختارهای اجتماعی توجه می‌کند.

حال برای پاسخ‌گویی به پرسش دوم تحقیق باید شاخص‌هایی را از این خوانش اسلام‌شناسانه استخراج کنیم. مؤلفه‌های عملیاتی «فرهنگ فقر» بر اساس دیدگاه اجتهادی محمد رضا حکیمی از اسلام عبارت‌اند از:

۱. مسائل اقتصادی؛ مانند ضعف جسمی، ناآگاهی اقتصادی، نبود امکان درخواست قرض (به دلیل فقدان اعتماد اجتماعی به فقیر)، نداشتن شغل مهم و درخور توجه، حضور نداشتن در فعالیت‌های اقتصادی، مشارکت نداشتن در اقتصاد، بهره‌ناکافی از مادیات و امکانات زندگی، نداشتن استطاعت مالی برای شرکت در مراسم حج، ترک کسب و کار و اشتغال، اندازه‌نگه نداشتن در معیشت، تکدی و گدایی، اسراف و تبذیر.



شکل ۲. مؤلفه‌های فرهنگ فقر بر اساس خوانش اسلامی محمدرضا حکیمی

۲. مسائل اجتماعی؛ مانند فراموش شدن در جامعه، قرار نداشتن در معرض اعتماد اجتماعی، ناآگاهی، محرومیت فکری، پنهان شدن نیروهای ادراکی، عقب ماندگی فرهنگی، مشارکت نداشتن در مؤسسات فکری و فرهنگی، نابودی حیثیت و موجودیت اجتماعی، از بین رفتن کرامت انسانی و منزلت اجتماعی، محرومیت از حقوق اجتماعی، مشارکت نداشتن در قضایای سرنوشت ساز اجتماع، طرد شدن و فقدان حضور آشکار در عرصه اجتماعی (مانند مراکز حساس، مناصب مهم و برجسته، جنبش‌های فرهنگی و مؤسسات اجتماعی)، محرومیت از پیوستن به اجتماع و عضو شدن در آن، محرومیت از نقش آفرینی در صحنه‌های هنری، بی سواد و نادانی (یاسود و اطلاعات کم و محدود)، فقدان تربیت و رشد فرهنگی، دست نیافتن به آموزش و پرورش مناسب، پایمالی فضیلت‌های فردی و اجتماعی، نیازمندی به دیگران و مجبور شدن به ستایش آنها، از دست رفتن آبرو، سربار دیگران شدن و خیانت.

۳. مسائل سیاسی؛ مانند ناآگاهی از قوانین، انزوا و حضورنداشتن در عرصه سیاسی (مانند فرصت‌های انتخاباتی، مجالس قانون‌گذاری، احزاب و فعالیت سیاسی)، مشارکت‌نداشتن در مسائل سرنوشت‌ساز سیاست، انزوای حقوقی (به معنای ناتوانی از مطالبه عدالت و دفاع از حق خود) و محرومیت از پایگاه سیاسی.

۴. مسائل خانوادگی؛ مانند ناتوانی در تأمین منافع و مصالح خانوادگی، ناآگاهی از قوانین و حقوق خانوادگی، بی‌ارزشی و خواری نزد خانواده و خویشاوندان، که به طور کلی می‌توان اینها را انزوای خانوادگی دانست (وزمینه‌ای برای بروز مسائلی از قبیل طلاق، آسیب روحی به فرزندان، اختلال در رشد کودکان و ... خواهد شد).

۵. مسائل دینی؛ مانند ناتوانی از رشد تکاملی، فساد اعتقادی (عملی و نظری)، سستی یقین، افزایش خطا و گناه، نقص در دین (یعنی ضعف دینداری و عمل نکردن شایسته به وظایف دینی)، مشارکت‌نداشتن در مؤسسات دینی، انزوای دینی (به معنای دورماندن از صفوف دینداران، حضورنداشتن در مناسک دینی و اعیاد مذهبی) و محروم بودن از معنویات.

۶. مسائل روان‌شناختی؛ مانند نقص فکری، سراسیمگی و سرگشتگی عقل، پریشانی حواس، آرزوی مرگ کردن، احساس کاستی، اندوه، ناامیدی، فقدان اعتماد به نفس، احساس خودکم‌بینی، نگرانی، اضطراب، دل‌مشغولی، احساس حقارت، ویرانی و فروریختن شخصیت انسانی، تنبلی، بی‌حوصلگی و فقیرنمایی.

۵. روش پژوهش

این تحقیق در چارچوب پارادایم برساخت‌گرایی و با رویکرد کیفی انجام شده است. از میان تمامی مجموعه‌های تلویزیونی پخش شده از سیمای جمهوری اسلامی ایران در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ ه.ش. که دارای محتوای مرتبط با فقر بوده و زندگی افراد تهی‌دست را

نمایش داده‌اند، مجموعه تلویزیونی «باخانمان (۱۳۹۹)» به دلایل ذیل برای بررسی در این پژوهش انتخاب شد:

- نمایش فراز و نشیب‌های زندگی خانواده‌ای فقیر
 - تأکید بر جنبه‌های فردی فقر (در مقابل جنبه‌های ساختاری)
 - نشان دادن تفاوت‌های زندگی دو طبقه فقیر و ثروتمند
 - طنزآمیز بودن داستان و پرهیز از سیاه‌نمایی درباره فقر
 - قرارداد داشتن مجموعه مذکور در میان پربیننده‌ترین‌های سایت تلویزیون در زمستان ۱۳۹۹
(<https://akharinkhabar.ir>)
 - استفاده از بازیگران برجسته سینمای ایران، همچون حسن پورشیرازی، شهره لورستانی، افسانه بایگان، آتیلا پسیانی، شقایق دهقان، بهنام تشکر و... (<https://www.imna.ir/>، ۱۳۹۹).
 - نزدیک تر بودن زمان پخش آن، به سال نگارش این پژوهش
- نهایتاً برای جمع‌آوری داده (gathering data) از موضوع در دست مطالعه، کل قسمت‌های مجموعه تلویزیونی را مشاهده کردیم و سپس داده‌های مشاهده‌ای مرتبط با زندگی افراد فقیر در این مجموعه به گزاره‌های متنی تبدیل شد تا مراحل بعدی تحقیق متکی بر آن پیش رود. برای پاسخ‌گویی به پرسش فرعی سوم و نیز انجام دادن فرآیند تحلیل داده (Data Analysis)، از روش «تحلیل مضمون» (Thematic Analysis) بهره بردیم. در توضیح مختصر این روش باید گفت یکی از روش‌های پژوهش با رویکرد کیفی، روش تحلیل مضمون (تماتیک یا موضوعی) است. «این نوع تحلیل از متعارف‌ترین و پُرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی [بوده و] ... داده‌های مورد تحلیل در روش تماتیک یا موضوعی، شامل داده‌های متنی، مصاحبه‌ها، و داده‌های مشاهده‌ای متنی شده هستند... در تعریفی دیگر، تحلیل تماتیک عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند» (محمدپور، ۱۳۹۷: ۳۸۸-۳۸۹).

۶. یافته‌های پژوهش

۱.۶. مضامین مرتبط با شیوه زندگی فقرا

بر اساس مراحل سه‌گانه‌ای که برای روش تحلیل مضمون وجود دارد، مضامینی که به شیوه زندگی تهی‌دستان ارتباط داشت استخراج شد. برای این کار، ابتدا در مرحله کدگذاری توصیفی، گزاره‌های متنی را از سریال «باخانمان» انتخاب کردیم. بعد مضامین پایه‌ای که توصیف‌کننده این گزاره‌ها بود نوشته شد. بدین ترتیب مجموعاً ۱۹۱ مضمون پایه که مرتبط با شیوه زندگی فقرا بود در این مجموعه تلویزیونی شناسایی شد. سپس در مرحله کدگذاری تفسیری، مضامین پایه جمع‌بندی شد و مضامین سازمان‌دهنده به دست آمد. بدین ترتیب مجموعاً ۴۰ مضمون سازمان‌دهنده به دست آمد. نهایتاً در مرحله یکپارچه‌سازی، مضامین سازمان‌دهنده، انتزاعی و بازسازی شد و مضامین فراگیر به دست آمد. بدین ترتیب، مجموعاً ۲۶ مضمون فراگیر استخراج شد. به جهت خودداری از اطناب کلام، صرفاً جدول یکپارچه‌سازی در ادامه می‌آید.

جدول ۱. تحلیل مضمون سریال «باخانمان»؛ مرحله یکپارچه‌سازی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	ردیف
ارضای نیازهای آنی	۱.۲. غنیمت شمردن لحظه حال برای لذت بردن	۱
اسراف	۲.۲. اهمیت ندادن به هدر دادن آب و غذا	۲
اشتغال زنان سرپرست خانوار	۳.۲. کارکردن بانوان برای تأمین مخارج خانواده	۳
اعتیاد به مواد مخدر	۴.۲. خوشحالی از مصرف مواد مخدر و ناراحتی از ترک آن	۴
آگاهی از جایگاه طبقاتی	۵.۲. شناخت وجود فاصله طبقاتی (طبقه بالا، متوسط و پایین)	۵

ردیف	مضمون سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۶	۶.۲. تنگدستی و فقدان نقدینگی کافی ۷.۲. عادت داشتن به قرض و نسیه ۸.۲. ناتوانی در تأمین مالی مخارج افراد خانواده	اوضاع نامناسب مالی
۷	۹.۲. داشتن اختراع و طرح تحقیقاتی ۱۰.۲. دانایی و داشتن تحصیلات دانشگاهی	باسوادی
۸	۱۱.۲. مذمت ناهنجاری‌ها و رفتارهای ناپسند برخلاف اقدام به انجام دادن آنها در زندگی	بیان ارزش‌ها بدون پای بندی عملی
۹	۱۲.۲. ترسیدن از پلیس ۱۳.۲. فرارکردن از پلیس ۱۴.۲. ناراحتی از آگاهی یافتن پلیس	بیزاری از پلیس
۱۰	۱۵.۲. نداشتن سابقه خارج شدن از محل زندگی	تعلق محلی
۱۱	۱۶.۲. اعتقاد به تقدیر و سرنوشت	تقدیرگرایی
۱۲	۱۷.۲. داشتن سابقه زندان ۱۸.۲. داشتن سابقه ارتکاب جرم	بزهکاری
۱۳	۱۹.۲. خوش بینی درباره دستیابی به آرزوها	داشتن آرزو
۱۴	۲۰.۲. دعا، ذکر و نذر به درگاه خدا	داشتن اعتقادات مذهبی
۱۵	۲۱.۲. در کنار هم بودن اعضای خانواده ۲۲.۲. محبت مادر به فرزندان	صمیمیت خانوادگی
۱۶	۲۳.۲. استفاده از امکانات ثروتمندان	طردن شدن از اجتماع
۱۷	۲۴.۲. ناراحتی از تحقیر، تهمت، منت و رفتن آبرو	عزت نفس

ردیف	مضمون سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۱۸	۲۵.۲. تحقیر دیگران به سبب کاستی‌های ظاهری ۲۶.۲. رعایت نکردن بهداشت فردی ۲۷.۲. اعتقاد به آبرومندی با داشتن سطح اقتصادی بالا	فقر فرهنگی
۱۹	۲۸.۲. فقیر نشان دادن خود به دیگران	فقیرنمایی
۲۰	۲۹.۲. انداختن زحمات و مخارج خود به گردن دیگران	سربار دیگران شدن
۲۱	۳۰.۲. درآمد کسب کردن کودکان با ترازو	کار کودکان
۲۲	۳۱.۲. درس نخوانده بودن ۳۲.۲. ندانستن تلفظ صحیح واژگان و اصطلاحات	کمبود سواد
۲۳	۳۳.۲. رها کردن فرزندان ۳۴.۲. ترک خانواده ۳۵.۲. طلاق زن و شوهر	نابسامانی خانوادگی
۲۴	۳۶.۲. کمبود درآمد و شغل نامناسب ۳۷.۲. بیکاری	نابسامانی وضع اشتغال
۲۵	۳۸.۲. خانه‌های قدیمی و ساده در محله‌های فقیر ۳۹.۲. نامناسب بودن وضعیت محله‌های فقیرنشین	نامناسب بودن خانه و محله
۲۶	۴۰.۲. اشتیاق به استفاده از حمایت‌های مالی نهاد‌های دولتی	نگرش خوب به نهاد‌های حمایتی

۲.۶. تطبیق مؤلفه‌های فرهنگ فقر با مضامین فراگیر

مضامین فراگیری که از سریال «باخانمان» استخراج شد، در این قسمت یک به یک بررسی شده و کیفیت ارتباطشان با مؤلفه‌های دوگانه فرهنگ فقر (در دیدگاه اسلامی و غربی) در سه قالب «مطابقت»، «مشابهت» و «مخالفت» مشخص خواهد شد. «مطابقت» بدین معناست که مضمون فراگیر کاملاً با یک یا چند ریزمؤلفه در فرهنگ فقر، همخوانی و برابری عینی دارد (مثلاً: مضمون «اسراف» در تحلیل سریال استخراج شده و این واژه «اسراف» عیناً در ریزمؤلفه‌های فرهنگ فقر از دیدگاه حکیمی وجود دارد). «مشابهت» یعنی مضمون فراگیر نسبتاً با یک یا چند ریزمؤلفه مربوط در فرهنگ فقر، همانندی و نزدیکی مفهومی دارد (مثلاً مضمون «کار کودکان» در تحلیل سریال استخراج شده، ولی در ریزمؤلفه‌های فرهنگ فقر در نظریه لوئیس، خود واژه «کار کودکان» به کار نرفته، بلکه ریزمؤلفه «کوتاهی دوران کودکی و محرومیت کودکان از حمایت‌های لازم» وجود دارد که شباهت مفهومی با کار کودکان دارد). «مخالفت» نیز یعنی مضمون فراگیر اصلاً با هیچ یک از ریزمؤلفه‌های مربوط در فرهنگ فقر، تشابه و تطابق ندارد و کاملاً دارای مفهومی ضد آن است. در ادامه، ماتریس تطبیقی «مضامین فراگیر - فرهنگ فقر» نمایش داده شده است.

جدول ۲. ماتریس تطبیقی مضامین فراگیر - فرهنگ فقر

فرهنگ فقر مضامین فراگیر	مؤلفه‌ها بر اساس نظریه لوئیس	مؤلفه‌ها بر اساس دیدگاه حکیمی
ارضای نیازهای آنی	مسائل روان‌شناختی - مطابقت	مسائل روان‌شناختی - مشابهت
اسراف	مسائل اقتصادی - مخالفت	مسائل اقتصادی - مطابقت
اشتغال زنان سرپرست خانوار	مسائل اقتصادی - مشابهت	مسائل اقتصادی - مشابهت
اعتیاد به مواد مخدر	مسائل اجتماعی - مخالفت	مسائل اجتماعی - مخالفت
آگاهی از جایگاه طبقاتی	مسائل روان‌شناختی - مخالفت	مسائل اجتماعی - مخالفت

مؤلفه‌ها بر اساس دیدگاه حکیمی	مؤلفه‌ها بر اساس نظریه لوئیس	فرهنگ فقر مضامین فراگیر
مسائل اقتصادی - مطابقت	مسائل اقتصادی - مطابقت	اوضاع نامناسب مالی
مسائل اجتماعی - مخالفت	مسائل اجتماعی - مخالفت	باسوادی
مسائل اجتماعی - مخالفت	مسائل اجتماعی - مطابقت	بیان ارزش‌ها بدون پای‌بندی عملی
مسائل سیاسی - مخالفت	مسائل سیاسی - مطابقت	بیزاری از پلیس
مسائل اجتماعی - مشابهت	مسائل روان‌شناختی - مطابقت	تعلق محلی
مسائل روان‌شناختی - مشابهت	مسائل روان‌شناختی - مطابقت	تقدیرگرایی
مسائل دینی - مطابقت	مسائل سیاسی - مشابهت	بزهکاری
مسائل روان‌شناختی - مخالفت	مسائل روان‌شناختی - مخالفت	داشتن آرزو
مسائل دینی - مشابهت	مسائل اجتماعی - مخالفت	داشتن اعتقادات مذهبی
مسائل خانوادگی - مخالفت	مسائل خانوادگی - مخالفت	صمیمیت خانوادگی
مسائل اجتماعی - مخالفت	مسائل اجتماعی - مخالفت	طردنشدن از اجتماع
مسائل روان‌شناختی - مخالفت	مسائل روان‌شناختی - مخالفت	عزت نفس
مسائل اجتماعی - مطابقت	مسائل اجتماعی - مطابقت	فقر فرهنگی
مسائل روان‌شناختی - مطابقت	مسائل روان‌شناختی - مخالفت	فقیرنمایی
مسائل اجتماعی - مطابقت	مسائل اجتماعی - مشابهت	سرپار دیگران شدن
مسائل اجتماعی - مشابهت	مسائل خانوادگی - مشابهت	کار کودکان

فرهنگ فقر مضامین فراگیر	مؤلفه‌ها بر اساس نظریه لوئیس	مؤلفه‌ها بر اساس دیدگاه حکیمی
کمبود سواد	مسائل اجتماعی - مطابقت	مسائل اجتماعی - مطابقت
نابسامانی خانوادگی	مسائل خانوادگی - مطابقت	مسائل خانوادگی - مطابقت
نابسامانی وضع اشتغال	مسائل اقتصادی - مطابقت	مسائل اقتصادی - مطابقت
نامناسب بودن خانه و محله	مسائل اجتماعی - مطابقت	مسائل اجتماعی - مخالفت
نگرش خوب به نهادهای حمایتی	مسائل سیاسی - مخالفت	مسائل اجتماعی - مخالفت

۷. جمع بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت، آن دسته از مضامینی که هم با نظریه اسکار لوئیس و هم با دیدگاه محمدرضا حکیمی مطابقت داشت پنج مضمون است: «اوضاع نامناسب مالی»، «فقر فرهنگی»، «کمبود سواد»، «نابسامانی خانوادگی» و «نابسامانی وضع اشتغال».

از سوی دیگر، آن دسته از مضامین فراگیری که هم با نظریه اسکار لوئیس و هم با دیدگاه محمدرضا حکیمی مشابهت داشت دو چیز است: «اشتغال زنان سرپرست خانوار» و «کار کودکان».

همچنین، آن دسته از مضامین فراگیری که هم با نظریه اسکار لوئیس و هم با دیدگاه محمدرضا حکیمی مخالفت داشت هشت مضمون است: «اعتیاد به مواد مخدر»، «آگاهی از جایگاه طبقاتی»، «باسوادی»، «داشتن آرزو»، «صمیمیت خانوادگی»، «طردن شدن از اجتماع»، «عزت نفس» و «نگرش خوب به نهادهای حمایتی».

از سوی دیگر، اگر بخواهیم میزانی کلی از تمامی مطابقت‌ها، مشابهت‌ها و مخالفت‌ها داشته باشیم باید به جدول زیر اشاره کنیم. در اینجا درصد‌های موجود، بر اساس تعداد کل مضامین فراگیر (۲۶ عدد) محاسبه شده و درصد‌های حاصل، به صورت تقریبی گرد شده است.

جدول ۳. ماتریس جمع‌بندی بازنمایی فرهنگ فقر در سریال «باخانمان»

مضامین فراگیر (تعداد و درصد)			سریال «باخانمان» فرهنگ فقر
مخالفت	مشابهت	مطابقت	
۱۱ (۴۲ درصد)	۴ (۱۵ درصد)	۱۱ (۴۲ درصد)	مؤلفه‌های فرهنگ فقر (بر اساس نظریه لوئیس)
۱۱ (۴۲ درصد)	۶ (۲۳ درصد)	۹ (۳۵ درصد)	مؤلفه‌های فرهنگ فقر (بر اساس دیدگاه حکیمی)

بدین ترتیب می‌توان چنین نتیجه گرفت که بازنمایی فرهنگ فقر در سریال «باخانمان»، با توجه به مؤلفه‌های فرهنگ فقر (بر اساس نظریه غربی لوئیس)، ۴۲ درصد دارای مطابقت، ۱۵ درصد دارای مشابهت و ۴۲ درصد دارای مخالفت با آن مؤلفه‌ها است. این قضیه نشان می‌دهد در سریال «باخانمان»، زندگی تهی‌دستان در فرهنگ فقر (بر اساس نظریه لوئیس) بیشتر از حالت بدون آن نمایش داده شده است.

همچنین، بازنمایی فرهنگ فقر در سریال «باخانمان»، با توجه به مؤلفه‌های فرهنگ فقر (بر اساس دیدگاه اسلام‌شناسانه حکیمی)، ۳۵ درصد دارای مطابقت، ۲۳ درصد دارای مشابهت و ۴۲ درصد دارای مخالفت با آن مؤلفه‌ها است. این قضیه نشان می‌دهد که در سریال «باخانمان»، زندگی تهی‌دستان در فرهنگ فقر (بر اساس دیدگاه حکیمی) بیشتر از حالت بدون آن نمایش داده شده است.

سایر نتایجی که از این جداول به دست می‌آید چنین است:

الف. مجموع مطابقت و مشابهت در کل ($11+9+4=30$) بیشتر از مجموع مخالفت

در کل ($11+11=22$) بوده است. این نشان می‌دهد که بازنمایی فرهنگ فقر در سریال

«باخانمان» به طور کلی بیشتر از بازنمایی شیوه زندگی بدون آن است.

ب. مطابقت و مشابهت با دیدگاه حکیمی (۹+۶=۱۵) مساوی با مطابقت و مشابهت با نظریه لوئیس (۴+۱۱=۱۵) بوده است. این موضوع بیانگر آن است که در سریال «باخانمان»، تناسب یکسانی بین بازنمایی مؤلفه‌های فرهنگ فقر طبق نظریه لوئیس و مؤلفه‌های فرهنگ فقر طبق دیدگاه حکیمی وجود دارد.

ج. مخالفت با نظریه لوئیس (۱۱ مضمون فراگیر) مساوی با مخالفت با دیدگاه حکیمی (۱۱ مضمون فراگیر) است. دلیل وجود این مخالفت‌ها با مؤلفه‌های فرهنگ فقر را شاید بتوان این‌گونه توجیه کرد که تمرکز بیش از حد این دو نظریه و دیدگاه بر محرومیت‌ها و نقاط منفی زندگی فقرا است؛ اما در سریال «باخانمان»، نقاط مثبت زندگی فقرا نیز بازنمایی شده است. به عبارت بهتر، سریال مذکور نخواست است تهی‌دستان را کاملاً غرق در فرهنگ فقر نشان دهد. حتی بر اساس نظریه لوئیس، ویژگی‌هایی مثل «آگاهی از طبقه اجتماعی» می‌تواند آنها را به کلی از فرهنگ فقر خارج کند.

همچنین، خوانش پژوهشگر از مجموع یافته‌ها و نتایج، آن است که بازنمایی شیوه زندگی افراد فقیر در سریال «باخانمان» به گونه‌ای انجام شده که بیشتر ناظر به جنبه‌های فردگرایانه در تحلیل فقر و عوامل آن است. از همین رو، بررسی فرهنگ فقر در سریال نشان داد که افراد فقیر، در عین حال که با معایب فرهنگ فقر درگیرند، عواملی هم هست که آنها را به سمت خروج از فرهنگ فقر راهنمایی می‌کند. در واقع، سریال مذکور در پی آن بوده که علاوه بر نمایش دادن فقر و آسیب‌هایش، راهکار خروج از آن را نیز تا حدی به مخاطبانش پیاموزد. در انتها به تولیدکنندگان رسانه‌ای پیشنهاد می‌شود در ساخت آثار مرتبط با پدیده فقر، مؤلفه‌های فرهنگ فقر را بشناسند و نقش مؤثری در آگاه‌سازی مخاطبان‌شان از آثار و پیامدهای ناگوار آن داشته باشند. این سریال و تحلیل مضمون آن، می‌تواند نمونه‌ای مناسب از بازنمایی فرهنگ فقر برای فعالان رسانه‌ای باشد.

منابع

- امیری، ساره؛ مریدی، محمدرضا (۱۳۹۸). «اسطوره فقر در سینمای ایران: تحلیل نشانه‌شناختی فیلم ابد و یک روز»، در: جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، س ۱۱، ش ۱، ص ۴۷-۶۵.
- بال افکن، فاطمه بیگم؛ پوربابادی، سهیلا (۱۳۹۹). فقر؛ علت‌ها و پیامدها از نگاه آیات و روایات، اهواز: پژوهندگان راه دانش.
- برانستون، گیل؛ استافورد، روی (۱۳۹۲). مطالعات رسانه‌ای: راهنمای عملی دانشجویان، ترجمه: امیرعبدالرضا سپنجی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- بشیر، حسن (۱۳۹۳). دانش‌نامه علوم ارتباطات؛ جلد اول (ارتباطات)، تهران: انتشارات کارگزار روابط عمومی، چاپ اول.
- بیرانوند، حمید (۱۳۹۴). تأثیر متغیرهای اقتصادی بر آسیب‌های اجتماعی (با تأکید بر تورم از سال ۱۳۷۴-۱۳۹۳)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، استاد راهنما: فاطمه جواهری، تهران: دانشگاه خوارزمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- پاشایی، محمد (۱۴۰۰). اسلام و پدیده فقر، بابل: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بابل.
- جعفرزاده لاله دشتی، علی (۱۳۹۱). تحلیل گفتمان فقر در سینمای ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، استاد راهنما: محمد مهدی رحمتی، تهران: دانشگاه پیام نور، واحد پرند.
- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی (۱۳۸۰). الحیة، ترجمه: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- درویش پناه، شاهرخ (۱۳۹۸). بازنمایی دیگری در سینمای ایران: دوگانه فقیر و ثروتمند، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، استاد راهنما: محمد تقی کرمی قهی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی.
- عباسی، مراد؛ کاروانی، عبداللطیف (۱۳۹۹). «رابطه بین فرهنگ فقر و جرم در مناطق حاشیه‌نشین»، در: اطلاعاتی و جنایی، س ۱۵، ش ۱، ص ۹-۲۶.

بازنمایی فرهنگ فقر در سیمای جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظریه اسکار لوئیس و دیدگاه محمدرضا حکیمی / ... / ۱۴۳

عبدالهادی مسیر، لقاء (۲۰۲۰). «الأثر الاجتماعي لثقافة الفقر في المجتمع العراقي»، مجلة كلية التربية (جامعة واسط)،

العدد ۳۸، ص ۶۰۷-۶۲۸، مسترجع من <https://eduj.uowasit.edu.iq/index.php/eduj/article/view/1187>

عنبري، موسی؛ بقایی، سارا (۱۳۹۳). «ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان حاشیه‌نشین شهری

(مورد مطالعه: منطقه دیزج شهر همدان)»، در: توسعه روستایی، ش ۶، ش ۲، ص ۲۰۹-۲۳۲.

عیسایی، فاطمه (۱۴۰۰). بررسی فرهنگ فقر در میان زنان محله شیرآباد زاهدان، پایان‌نامه کارشناسی

ارشد مطالعات زنان، استاد راهنما: عبدالحسین دانشوری نسب، کرمان: دانشگاه شهید باهنر

کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

قلوزی، غزاله (۱۴۰۰). شناسایی ریشه‌های فقر اقتصادی و روش مبارزه با آن در اسلام، همدان: نور علم.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). أصول الكافي، ترجمه: محمد باقر کمراهی، قم: اسوه، چاپ سوم.

لابن، ژان (۱۳۵۹). جامعه‌شناسی فقر (جهان سوم و جهان چهارم)، ترجمه: جمشید بهنام، تهران:

شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ اول.

لوئیس، اسکار (۱۳۵۳). «فرهنگ فقر»، ترجمه: سید مهدی ثریا، در: مطالعات جامعه‌شناختی، دوره

قدیم (نامه علوم اجتماعی)، ش ۴، ص ۱۲۴-۱۴۰.

مجتبوی نائینی، سید مهدی (۱۳۷۲). فرهنگ اصطلاحات کار و تأمین اجتماعی، تهران: مؤسسه کار

و تأمین اجتماعی.

محمدپور، احمد (۱۳۹۷). ضد روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی، قم:

لوگوس چاپ اول (ویراست دوم).

مهدی‌زاده، محمد (۱۳۸۷). رسانه‌ها و بازنمایی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، چاپ اول.

میرزایی، خلیل (۱۳۹۳). فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی، تهران: فوژان، چاپ اول.

نادری، احمد؛ سلیمانی ساسانی، مجید؛ اسکندری، علی (۱۳۹۳). «تحلیل بازنمایی روحانیت در

سینمای ایران مطالعه موردی؛ تحلیل گفتمان فیلم «طلا و مس»»، در: مطالعات و تحقیقات

اجتماعی در ایران، س ۳، ش ۳، ص ۴۹۷-۵۱۲.

نصیری، امید (۱۳۹۹). شبکه مضامین عوامل مؤثر بر فقر در جامعه اسلامی از منظر قرآن و احادیث اهل بیت (ع): تحلیل اهمیت- عملکرد (IPA) جمهوری اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، استاد راهنما: محمود کریمی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد.

الهادی مفتاح ابن محمد، جمیلة (۲۰۲۱). «ثقافة الفقر من منظور أنثروبولوجی تنموی»، مجلة الجامعی، العدد ۳۳، ص ۱۰۸-۱۳۰، مسترجع من: <https://www.aljameai.org.ly/index.php/aljameai/article/view/791>

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۳). فرهنگ قرآن، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم.

یاقوتی، ابراهیم (۱۳۹۹). «جستاری در نظریه فقرزدایی قرآن و روایات بر مبنای پژوهش زمینه‌ای»، در: پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، ش ۲۷، ص ۲۸۳-۳۱۶.

یعقوبی دوست، محمود (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران، تهران: جامعه‌شناسان.

Abbasi, M., & Karwani, A. L. (2020). The relationship between the culture of poverty and crime in marginalized areas. *Intelligence and criminal research journal*, 15(57), 33-50. doi: 20.1001.1.17359367.1399.15.1.2.3 (In Persian).

Abdel Hadi Messir, Interview (2020). "The social impact of the culture of poverty in Iraqi society," *Journal of the College of Education (Wasit University)*, No. 38, pp. 607-628, retrieved from

Al-Hadi Miftah Ibn Mohammad, J. (2021). "The culture of the poor in terms of developmental anthropology", *Al-Jamaei magazine*, No. 33, pp. 108-130, retrieved by <https://www.aljameai.org.ly/index.php/aljameai/article/view/791>

Amiri, S., & Moridi, M. R. (2019). a Semiotic Analysis of the poverty in the Iranian cinema. *Sociology of Art and Literature*, 11(1), 47-65. doi: 10.22059/jsal.2019.282348.665757 (In Persian).

Anbari, M., & Baghai, S. (2014). 'Culture of poverty' and deviant behavior of marginalized urban wome. *Community Development (Rural and Urban Communities)*, 6(2), 209-232. doi: 10.22059/jrd.2014.54321 (In Persian).

- Astuti, M. (2022). "How Islam Addresses Poverty and Income Inequality", in: International Journal of Religious and Cultural Studies, 4 (1), in press. <https://doi.org/10.34199/ijracs.2022.04.07>
- Balafken, F. B.; Pourbabadi, S. (2019). poverty; Causes and consequences from the perspective of verses and hadiths, Ahvaz: Scholars of the Way of Knowledge (In Persian).
- Bashir, H. (2014). Encyclopedia of Communication Sciences; The first volume (Communications), Tehran: Public Relations Broker Publications, first edition (In Persian).
- Biranvand, H. (2014). The effect of economic variables on social harms (with an emphasis on inflation from 1995-2014), master's thesis in sociology, supervisor: Fatemeh Javaheri, Tehran: Kharazmi University, Faculty of Literature and Humanities (In Persian).
- Branston, G; Stafford, R. (2012). Media studies: practical guide for students, translated by: Amir Abdulreza Sepanji, Tehran: Imam Sadiq University (AS), first edition (In Persian).
- Darity, JR., William A. (2008). International Encyclopedia of Social Sciences, 2nd Edition, vol. 2, MacMillan Reference Library USA, <http://gen.lib.rus.ec/book/index.php?md5=38eaa5e90587444b84d45875c64701fa>
- Darvish Panah, Shahrokh (2018). Representation of "others" in Iranian cinema: the duality of rich and poor, master's thesis in sociology, supervisor: Mohammad Taghi Karmi Qahi, Tehran: Allameh Tabatabai University, Faculty of Social Sciences (In Persian).
- Dietrich, D. (2018) "Culture of Poverty", in: International Encyclopedia of the Social Sciences, Retrieved June 16, 2021 from <https://www.encyclopedia.com/social-sciences/applied-and-social-sciences-magazines/culture-poverty>
- Dike, S. (2011). La Vida en Pobreza: Oscar Lewis, Puerto Rico, and the Culture of Poverty, thesis for the degree of PhD, University of Colorado, Faculty of the Graduate School, Department of History.
- Ghaluzi, Ghazaleh (2021). Identifying the roots of economic poverty and how to fight it in Islam, Hamadan: Noor Elm (In Persian).
- Hakimi, M. R.; Hakimi, M.; Hakimi, A. (2001). Al-Hayat, translated by Ahmad Aram, Tehran: Islamic Culture Publishing House, first edition (In Persian).
- Hashemi Rafsanjani, A. (2004). Farhang Qur'an, Qom: Bostan Kitab, second edition (In Persian).

<https://akharinkhabar.ir/>

<https://edu.uowasit.edu.iq/index.php/eduj/article/view/1187> (In Persian).

<https://www.imna.ir/>

Issai, F. (2021). Investigating the culture of poverty among women in Shirabad neighborhood of Zahedan, Master's thesis in Women's Studies, Supervisor: Abdul Hossein Daneshvari Nasab, Kerman: Shahid Bahonar University, Kerman, Faculty of Literature and Humanities (In Persian).

Jafarzadeh Laledashti, A. (2012). Discourse Analysis of Poverty in Iranian Cinema, Master's Thesis in Sociology, Supervisor: Mohammad Mehdi Rahmati, Tehran: Payam Noor University, Parand Branch (In Persian).

Koleyni, Muhammad bin Yaqub (1996). *Osul Al-Kafi*, translated by: Mohammad Baqer Kameraei, Qom: Osweh, third edition (In Persian).

Laban, J. (1978). *Sociology of Poverty (Third World and Fourth World)*, translated by: Jamshid Behnam, Tehran: Kharazmi Publishing Company, first edition. (In Persian).

Lewis, O. (1959). *Five Families: Mexican Case Studies in the Culture of Poverty*, New York: Basic Books.

Lewis, O. (1966 a). *LA Vida: A Puerto Rican Family in the Culture of Poverty*, San Juan and New York, New York: Random House.

<http://library.lol/main/9E90FACE0051D5E66CA5BD2A0F92C638>

Lewis, O. (1966 b). "The Culture of Poverty", in: *Scientific American*, Vol. 215, No. 4, pp. 19-25, <http://www.jstor.org/stable/24931078>

Lewis, O. (1978). "Culture of poverty", translated by Seyyed Mehdi Soraya, in: *Sociological Studies, Old Period (Journal of Social Sciences)*, Vol. 4, pp. 124-140. (In Persian).

Mahdizadeh, M. (2007). *Media and Representation*, Tehran: Office of Media Studies and Development, first edition (In Persian).

Mirzaei, K. (2014). *Descriptive dictionary of social sciences*, Tehran: Fujan, first edition (In Persian).

Mohammadpour, A. (2017). *Anti-Methodology: Philosophical Backgrounds and Practical Procedures in Qualitative Methodology*, Tehran: Logos (In Persian).

- Mojtabavi Naini, M. (1993). Glossary of work and social security terms, Tehran: Labor and Social Security Institute (In Persian).
- Naderi, A., Soleimani Sasani, M., & Eskandari, A. (2014). Analysis of Clergymen's Representation in Iran's Cinema: A Case Study of Discourse Analysis of the Tala va Mes, Movie. Quarterly of Social Studies and Research in Iran, 3(3), 497-512. doi: 10.22059/jisr.2014.53156 (In Persian).
- Nasiri, O. (2019). The theme network of factors affecting poverty in Islamic society from the perspective of the Qur'an and Ahl al-Bayt (PBUH): Importance-Performance Analysis (IPA) of the Islamic Republic, Master's Thesis of Qur'an and Hadith Sciences, Supervisor: Mahmoud Karimi, Tehran: Imam Sadiq University. (AS), Faculty of Theology, Islamic Education and Guidance (In Persian).
- Parkyn, R. (2018). "Prioritising Poverty: How does Media Coverage of Poverty Impact on Our Ability to Solve it?", Project Work, Malmo University.
- Pashaei, M. (2021). Islam and the phenomenon of poverty, Babol: Babol University of Medical Sciences and Health Services (In Persian).
- Selim, M.; Farooq, M. O. (2020). "Elimination of Poverty by Islamic Value Based Cooperative Model", in: Journal of Islamic Accounting and Business Research, Vol. 11, No. 5, pp. 1121-1143, <https://doi.org/10.1108/JIABR-08-2018-0125>
- Yaqoubidoost, M. (2017). Sociology of contemporary social issues in Iran, Tehran: Sociologists (In Persian).
- Yaquti, I. (2019). "Research on the poverty alleviation theory of the Qur'an and hadiths based on contextual research", in: Research Journal of the Qur'an and Hadith (Pazhouhesh Name-ye Quran va Hadith), Vol. 27, pp. 283-31 (In Persian).